

ترجمة

الاتقان في علوم القرآن

جلال الدين سيوطي

شامل هجده بحث علوم قرآني ويژه مقطع کارشناسي

مترجم:

دکتر سيد محمود دشتي

سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، ۸۴۹-۹۱۱ ق

[الاتقان فی علوم القرآن. فارسی]

ترجمه الاتقان فی علوم القرآن، شامل هجده بحث علوم قرآنی
ویژه مقطع کارشناسی / جلال الدین سیوطی؛ مترجم محمود دشتی. -
قم: دانشکده اصول الدین، ۱۳۸۴.
۴۲۰ ص.

ISBN 969 - 5841 - 84 - 4 : ۳۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

کتابنامه بصورت زیر نویسی.

۱. قرآن - مسائل ادبی. ۲. قرآن - مسائل لغوی. ۳. قرآن - صرف
و نحو. الف. دشتی، محمود، - مترجم. ب. عنوان. ج. عنوان:
الاتقان فی علوم القرآن. فارسی.

۲۹۷/۱۵۳

BP ۸۲ / س ۹ / ۲۰۴۱

۱۳۸۴



کتابخانه

نام کتاب: ترجمه الاتقان فی علوم القرآن

مؤلف: جلال الدین سیوطی

مترجم: سید محمود دشتی

ویراستار: دکتر قاسم مختاری

ناشر: انتشارات دانشکده اصول الدین

نوبت چاپ: یکم تابستان ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۲۰۰

چاپ: نینوا - قم

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

نشانی سایت دانشکده اصول الدین

<http://www.usolaldin.org> - <http://www.usolaldin.com>

شابک ۹۶۴ - ۵۸۴۱ - ۸۴ - ۴

ISBN 964 - 5841 - 84 - 4

فهرست مطالب

۱۳	پیش‌گفتار
۱۴	شرح حال سیوطی
۱۵	الاتقان دایرةالمعارف قرآنی
۱۸	ترجمه‌های موجود الاتقان
۲۰	ویژگی‌های ترجمه حاضر
۲۳	فصل یکم: لهجه‌های غیر حجازی در قرآن
۲۶	مشروح واژه‌های قرآن از لهجه‌های غیر حجازی
۲۶	۱- به زبان و لهجه کتانه
۲۷	۲- به زبان و لهجه هذیل
۲۸	۳- به زبان و لهجه حمیر
۲۹	۴- به زبان و لهجه جرهم
۳۱	۵- به زبان و لهجه ازدشنوه
۳۱	۶- به زبان و لهجه مذحج
۳۱	۷- به زبان و لهجه خثعم
۳۲	۸- به زبان و لهجه قیس عیلان
۳۲	۹- به زبان و لهجه سعد العشیره
۳۲	۱۰- به زبان و لهجه کنده
۳۳	۱۱- به زبان و لهجه عذره
۳۳	۱۲- به زبان و لهجه حضرموت
۳۳	۱۳- به زبان و لهجه غسان
۳۳	۱۴- به زبان و لهجه مزینه
۳۳	۱۵- به زبان و لهجه لخم

۳۴	۱۶ - به زبان و لهجه جذام
۳۴	۱۷ - به زبان و لهجه بنی حنیفه
۳۴	۱۸ - به زبان و لهجه یمامه
۳۴	۱۹ - به زبان و لهجه سبأ
۳۴	۲۰ - به زبان و لهجه سلیم
۳۴	۲۱ - به زبان و لهجه عماره
۳۵	۲۲ - به زبان و لهجه طییء
۳۵	۲۳ - به زبان و لهجه خزاعه
۳۵	۲۴ - به زبان و لهجه عمان
۳۵	۲۵ - به زبان و لهجه تمیم
۳۵	۲۶ - به زبان و لهجه انمار
۳۶	۲۷ - به زبان و لهجه اشعریین
۳۶	۲۸ - به زبان و لهجه اوس
۳۶	۲۹ - به زبان و لهجه خزرج
۳۶	۳۰ - به زبان و لهجه مدین
۳۹	فصل دوم: کلمات غیر عربی قرآن
۴۵	فهرست تفصیلی الفاظ معرب
۶۱	فصل سوم: شناخت و جوه و نظایر
۶۳	نمونه‌هایی از وجوه و نظایر
۷۴	گزارشی از کتاب الأفراد ابن فارس
۸۰	واژه‌های افراد در روایات پیامبر، صحابه و تابعان
۸۳	شاخه‌ای از بحث افراد
۸۵	فصل چهارم: محکم و متشابه
۸۸	امکان یا عدم امکان علم به متشابه
۹۳	دیدگاه طبیبی
۹۵	دیدگاه راغب اصفهانی
۹۹	آیات متشابه مربوط به صفات خداوند
۱۰۱	تأویل آیات صفات از نظر اهل سنت
۱۰۳	تأویل «نفس»
۱۰۴	تأویل «وجه»

۱۰۴	تاویل «عین»
۱۰۶	تاویل «ید»
۱۰۸	تاویل «ساق»
۱۰۸	تاویل «جنب»
۱۰۹	تاویل چند صفت دیگر
۱۱۲	حروف مقطعه و اسرار آن
۱۲۶	مزیت آیات محکم بر متشابه
۱۲۶	حکمت وجود آیات متشابه در قرآن کریم
۱۳۱	فصل پنجم: مقدم و مؤخر قرآن
۱۳۱	قسم اول
۱۳۵	قسم دوم
۱۴۴	یک نکته
۱۴۵	فصل ششم: عام و خاص قرآن
۱۴۵	صیغه‌های عام
۱۴۸	انقسام عام
۱۵۱	مثال عامی که مقصود از آن خاص است
۱۵۲	مثال‌های عام مخصوص
۱۵۳	انواع مخصوص
۱۵۶	مخصص منفصل
۱۶۰	تخصیص عموم حدیث به وسیله قرآن
۱۶۲	چند نکته پراکنده در باره عموم و خصوص
۱۶۷	فصل هفتم: مجمل و مبین قرآن
۱۶۷	اسباب و عوامل اجمال
۱۷۱	مبین و اقسام آن
۱۷۴	مبین منفصل از سنت
۱۷۴	آیاتی که مجمل بودن آنها مورد اختلاف است
۱۸۰	تفاوت مجمل با محتمل
۱۸۱	فصل هشتم: مطلق و مقید قرآن
۱۸۱	قاعده و معیار در حمل مطلق بر مقید
۱۸۶	دو نکته در باره حمل مطلق بر مقید

۱۸۹	فصل نهم: منطوق و مفهوم قرآن
۱۹۱	دلالت اقتضاء و اشاره
۱۹۳	انواع مفهوم
۱۹۷	یک نکته
۱۹۹	فصل دهم: مجازهای قرآن
۲۰۰	مجاز در ترکیب
۲۰۱	اقسام مجاز عقلی
۲۰۳	مجاز لغوی و انواع آن
۲۳۵	انواعی از مجازهای مورد اختلاف
۲۳۹	اموری که هم حقیقت اند هم مجاز
۲۳۹	واسطه میان حقیقت و مجاز
۲۴۰	مجاز مجاز
۲۴۳	فصل یازدهم: تشبیههای قرآن
۲۴۴	ادوات تشبیه
۲۴۵	اقسام تشبیه
۲۵۱	تشبیه مقلوب
۲۵۳	قاعده تشبیه در مقام مدح و ذم
۲۵۵	فصل دوازدهم: استعارات قرآن
۲۵۷	ارکان استعاره
۲۵۸	اقسام استعاره
۲۵۸	تقسیم یکم
۲۶۳	تقسیم دوم
۲۶۳	تقسیم سوم
۲۶۴	تقسیم چهارم
۲۶۷	تقسیم پنجم
۲۶۸	تقسیم ششم
۲۶۹	استعاره با دو لفظ
۲۶۹	انکار استعاره
۲۷۰	بلاغت استعاره
۲۷۱	تفاوت استعاره با تشبیه محذوف الادات

۲۷۳	فصل سیزدهم: کنایه‌ها و تعریض قرآن
۲۷۴	اسباب و انگیزه‌های کنایه
۲۷۸	إرداف
۲۸۰	تعریض و تفاوت آن با کنایه
۲۸۱	اغراض تعریض
۲۸۵	فصل چهاردهم: حصر و اختصاص
۲۸۵	انواع قصر (حصر)
۲۸۸	طرق قصر
۳۰۷	فصل پانزدهم: شناخت سبب نزول
۳۰۸	یکم: فواید اسباب نزول
۳۱۳	دوم: آیا عموم آیات معیار استنباط حکم است یا خاص بودن سبب نزول؟
۳۱۸	سوم: رابطه اسباب نزول با تناسب میان آیات (وجود شبیه به سبب نزول)
۳۲۱	چهارم: منابع دستیابی به سبب نزول
۳۲۲	حکم روایت صحابه
۳۲۴	حکم روایت تابعان
۳۲۴	پنجم ذکر اسباب نزول متعدد برای آیه‌ای واحد
۳۳۴	خطای راویان در به کار بردن تعبیر «نزل» به جای «فتلا»
۳۳۶	وحدت سبب و تعدد نازل
۳۴۱	فصل شانزدهم: ناسخ و منسوخ قرآن
۳۴۱	یکم: معنای لغوی نسخ
۳۴۳	دوم: حکمت نسخ، جواز نسخ، تفاوت آن با بَداء
۳۴۵	سوم، محدوده نسخ
۳۴۵	چهارم، اقسام نسخ (تقسیم اول)
۳۴۸	پنجم، تقسیم بندی سوره‌های قرآن با توجه به در بر داشتن ناسخ و منسوخ
۳۴۹	ششم: اقسام ناسخ
۳۵۰	هفتم: اقسام نسخ (تقسیم دوم)
۳۵۴	آیات منسوخ از سوره بقره
۳۵۸	آیات منسوخ از سوره آل عمران
۳۵۸	آیات منسوخ از سوره نساء
۳۶۰	آیات منسوخ از سوره مائده

۳۶۱	آیه منسوخ از سوره انفال
۳۶۲	آیه منسوخ از سوره توبه
۳۶۳	آیات منسوخ از سوره نور
۳۶۴	آیه منسوخ از سوره احزاب
۳۶۴	آیه منسوخ از سوره مجادله
۳۶۶	آیه منسوخ از سوره معنجه
۳۶۶	آیه منسوخ از سوره مزمل
۳۶۸	حکمت نسخ حکم و بقای تلاوت
۳۶۹	نکات پراکنده
۳۷۲	توجه
۳۷۸	انکار نسخ تلاوت و بقای حکم
۳۸۱	توجه
۳۸۳	فصل هفدهم: تناسب آیات و سوره‌ها
۳۸۶	معنای مناسبت
۳۸۶	فایده مناسبت
۳۸۶	انواع مناسبت
۳۸۷	اسباب مناسبت
۳۹۰	حسن تخلص
۳۹۲	تفاوت حسن تخلص با استطراد
۳۹۲	انتقال برای ایجاد نشاط در شنونده
۳۹۳	حسن مطلب
۳۹۴	قاعده شناخت مناسبت میان آیات قرآن
۳۹۵	بررسی آیات ۱۷ - ۲۰ قیامت
۴۰۰	تناسب میان آغاز و پایان سوره‌ها
۴۰۱	مناسبت آغاز یک سوره با پایان سوره قبل
۴۰۶	تناسب حروف مقطعه هر سوره با آن سوره
۴۰۸	تناسب نام‌های سوره‌ها با اهداف و مقاصد آن‌ها
۴۰۸	چند نکته مختلف در باب تناسب
۴۱۱	فصل هجدهم: آیات تشبیه به هم
۴۱۱	آیات شبیه به هم

پیش گفتار

در سال‌های پیش از انقلاب مبارک اسلامی ایران در میان رشته‌های مختلف و متنوع در دانشگاه‌های کشور بیش از یک رشته الهیات آن هم به نام معقول و منقول وجود نداشت و دانشجویان طالب تحصیل در این رشته کلیاتی را در دو شاخه علوم اسلامی بر محور علوم عقلی و نقلی می‌آموختند. اما پس از انقلاب اسلامی ایران به رهبری بزرگ مرد قرن، خمینی کبیر و در پی ایجاد رشته‌های مختلف علمی در دانشگاه‌ها، شاخه و گرایش علوم و قرآن و حدیث در ضمن رشته الهیات به وجود آمد و در حال حاضر به صورت یکی از گرایش‌های گسترده الهیات در دانشگاه‌های مختلف کشور مطرح است و روز به روز بر علاقه‌مندان به تحصیل در این رشته افزوده می‌شود. از همان آغاز تأسیس این شاخه و گرایش علمی مباحثی از کتاب جامع الاتقان فی علوم القرآن تألیف جلال الدین سیوطی، م ۹۱۱ در سرفصل درس علوم قرآن گنجانده شد و تاکنون هنوز کتاب الاتقان به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود به عنوان منبع محوری درس فوق الذکر حفظ کرده است. به دلیل جایگاهی که این کتاب در تدریس مباحث علوم قرآن به دست آورد و به دلیل سنگینی متن الاتقان برای دانشجویان عزیز ترجمه این کتاب ضروری می‌نمود، اما همه کسانی که با کتاب الاتقان آشنایند به دشواری متن این کتاب و ایجاز فوق العاده این کتاب در طرح برخی مباحث معترضند. با این همه برخی پژوهشگران با جسارت قدم در این راه گذاشته و به ترجمه الاتقان مبادرت کردند این ترجمه‌ها ارج مند و مطلوبند. اما به دلایلی که به برخی از آن‌ها اشاره خواهم کرد امروزه پاسخ گوی نیاز جامعه علمی و قرآنی ما نیست.

شرح حال سیوطی

عبدالرحمن بن ابی بکر جلال الدین سیوطی امام، حافظ، مورخ، ادیب و فقیه. ولادت او در شب یک شنبه اول رجب سال ۸۴۹ ق در اسیوط مصر اتفاق افتاد و به سال ۹۱۰ یا ۹۱۱ ق در سحرگاه روز جمعه نوزدهم جمادی الاولی در قاهره درگذشت. سیوطی خود درباره تولد، کودکی و تحصیلاتش در کتاب حسن المعاضره نوشته است:

تولد من بعد از مغرب شب یک شنبه اول ماه رجب سال هشتصد و چهل و نه اتفاق افتاد. در زمان حیات پدرم مرا به نزد شیخ ابو محمد مجذوب که از بزرگان اولیا و مجاور مشهد حسینی بود بردند تا با انفس و دعاهايش مرا متبرک سازد. من یتیم بزرگ شدم، قرآن را پیش از رسیدن به هشت سالگی حفظ کردم. سپس العمده و منهاج الفقه و نحو را از جمعی از استادان فرا گرفتم و فن فرائض^(۱) را از فَرَضی زمانش علامه شیخ شهاب الشرمساحی آموختم. در سال ۸۶۶ (۱۷ سالگی) اجازه تدریس عربی را گرفتم و در همین سال نخستین کتابم را به نام شرح الاستعاذه و البسملة تألیف کردم.

در فقه ملازم علم الدین بلقینی شدم و پس از درگذشت وی ملازم پسرش شدم... وی از سال ۸۷۶ به من اجازه تدریس و افتاء داد. در سال ۸۷۸ با درگذشت پسر بلقینی ملازم شیخ الاسلام شرف الدین منادی شدم و تفسیر بیضاوی را از او فرا گرفتم.

در حدیث و عربی به مدت چهار سال ملازم علامه تقی الدین شبلی حنفی گشتم و با در گذشت وی، ۱۴ سال ملازم شیخ مان استاد الوجود علامه محیی الدین کافجی شدم و از او فنون تفسیر، اصول عربیت، معانی و غیره فرا گرفتم.

به کشورهای شام، حجاز، یمن، هند، مغرب و النکروور مسافرت کردم و چون به حج رفتم از آب زمزم به نیت چند امر نوشیدم: یکی آن که در فقه به مرتبه حافظ ابن حجر برسم... سیوطی هم چنین می نویسد:

من در هفت علم تبحر یافتم: تفسیر، حدیث، فقه، نحو، معانی، بدیع و بیان به روش عرب ها و بلیغان نه به سبک عجم و اهل فلسفه. و چنین عقیده دارم که در این علوم - به استثنای فقه و منقولاتی که آموخته ام - به مرتبه ای رسیده ام که هیچ یک از استادانم هم

۱. فن فرائض دانش تقسیم ارث و تملط در کلام آن است و فَرَضی کسی است که در این فن استاد باشد.

نرسیده‌اند، تا چه رسد به دیگران.

سیوطی در *حسن المحاضره* تالیفات خود را نیز برشمرده است که تا زمان تالیف *حسن المحاضره* به حدود سیصد کتاب رسیده بوده است. به جز آن چه راکه شسته و از نوشتن‌اش توبه کرده بود. اما بروکلمان تالیفات سیوطی را اعم از مطبوع و مخطوط ۴۱۵ اثر دانسته و ابن ایاس تالیفات وی را حدود ششصد اثر دانسته است.

وی هم چنین نوشته است که منزلت والای سیوطی و کثرت فتواها و مصنفات‌اش مایه رشک و حسادت هم عصرانش شد و او را در معرض تهمت‌ها قرار داد از جمله او را متهم کردند که کتاب‌های کتاب‌خانه محمودیه را به دست آورده و پس از کم و زیاد، و پس و پیش کردن، آن‌ها را به خودش نسبت داده است.

سیوطی در کنار اشتغالات علمی و تالیف و تصنیف، منصب‌های مختلفی نیز پذیرفته است. مدتی منصب افتاء را عهده‌دار شد. دورانی در مدرسه شیخونیه و سپس در مدرسه بیبرسیه به تدریس پرداخت و در نهایت در منزلش «الروضه» در کنار رود نیل عزلت‌گزید و تمام اوقات خود را به عبادت و تصنیف اختصاص داد و *کتاب التنفیس عن الفتيا والتدريس* که نشان از کناره‌گیری سیوطی از منصب افتاء و تدریس می‌دهد را تالیف کرد.

الاتقان دایرة المعارف قرآنی

همان‌گونه که اشاره شد سیوطی هم دارای تالیفات فراوانی است و هم در شاخه‌ها و فنون مختلف صاحب اثر است. از میان تالیفات متنوع سیوطی بخش قابل توجهی به حوزه علوم قرآن و تفسیر اختصاص دارد، و از مشهورترین این آثار *الاتقان فی علوم القرآن* می‌باشد.

بی‌تردید سیوطی را باید نام‌آورترین دانشمند علوم قرآنی به شمار آورد و اثر وی *الاتقان فی علوم القرآن* مشهورترین و در عین حال جامع‌ترین اثر علوم قرآنی است که به حق یک دایرة المعارف علوم قرآنی می‌باشد. این کتاب که حاصل دوران پختگی و کمال سیوطی می‌باشد در حقیقت آمیخته‌ای از مباحث و سبک دو کتاب علوم قرآنی دیگر است، یکی *مواقع العلوم من مواقع النجوم* تألیف برادر استادش جلال الدین بلقینی و دیگری *البرهان فی*

علوم القرآن تألیف بدرالدین زرکشی. سیوطی در مقدمه الاتقان درباره انگیزه و دغدغه‌هایش برای تالیفی در زمینه علوم قرآنی که به تألیف الاتقان منتهی شده است چنین می‌نویسد:

در زمان دانش جوئیم از دانش مندان پیشین تعجب می‌کردم که چرا آن گونه که نسبت به علم حدیث کتاب‌های مختلف تدوین کردند، درباره انواع علوم قرآنی کتاب تدوین نکردند. اما از استادم محیی الدین کافجی شنیدم که گفت من درباره علوم تفسیر کتابی نوشته‌ام که در این باره کسی بر من پیشی نگرفته است. من نسخه‌ای را از روی آن برای خودم نوشتم. مطالب آن کتاب - که البته حجمی بسیار کم داشت - در دو باب خلاصه می‌شد. در باب اول درباره معنای تفسیر، تائیل، قرآن، سوره و آیه، و در باب دوم درباره شرایط تفسیر به رای بحث شده بود. و بعد از آن دو باب، خاتمه‌ای داشت درباره آداب عالم و متعلم. اما این کتاب هرگز تشنگی مرا درباره علوم قرآن شفا بخشید و مرا به مقصود راه نبرد. تا این که استاد دیگرم علم الدین بلقینی مرا از وجود کتاب دیگری در زمینه علوم قرآن که برادرش جلال الدین بلقینی تألیف کرده بود و آن را *مواقع العلوم من مواقع النجوم* نام گذاشته بود آگاه کرد. من آن را تالیفی لطیف و مجموعه‌ای ظریف یافتم که دارای ترتیب و تقریر و تنويع و تحبیر بود. بلقینی کتابش را به شش بخش تقسیم کرده بود و در هر بخش چند نوع از انواع علوم قرآن را بحث کرده بود که مجموعاً به بیش از ۵۰ نوع می‌رسید به این شرح:

بخش اول درباره جایگاه‌های نزول و اوقات وقایع آن بود، و مشتمل بر ده نوع: مکی، مدنی، سفری، حضری، لیلی، نهاری، صیفی، فراشی، نومی، اسباب نزول، اول ما نزل و آخر ما نزل.

بخش دوم درباره سند قرآن و مشتمل بر شش نوع بود: متواتر، أحاد، شاذ، قرائات پیامبر، راویان و حافظان.

بخش سوم درباره ادا کردن قرآن و مشتمل بر شش نوع بود: وقف، ابتداء، إمالة، مد، تخفیف همزه و ادغام.

بخش چهارم درباره الفاظ قرآن و مشتمل بر هفت نوع بود: غریب، معرّب، مجاز، مشترک، مترادف، استعاره و تشبیه.

بخش پنجم درباره معانی متعلق به احکام و مشتمل بر چهارده نوع بود: عام باقی بر عمومش، عام مخصوص، عامی که از آن خاص اراده شده، مواردی که آیات قرآن موجب تخصیص سنت شده است، مواردی که سنت موجب تخصیص آیات قرآن شده است، مجمل، مبین، مؤول، مفهوم، مطلق، مقید، ناسخ، منسوخ و نوعی از ناسخ و منسوخ که یکی از مکلفین مدتی به آن عمل کرده و سپس نسخ شده باشد.

بخش ششم درباره معانی متعلق به الفاظ و مشتمل بر پنج نوع بود: فصل، وصل، ایجاز، اطناب و قصر.

بلقینی هم چنین در مقدمه کتابش از انواع دیگری از علوم قرآن یاد کرده است که تحت حصر و شماره در نمی آید و آن‌ها عبارتند از: اسماء، کنیه‌ها، القاب و مبهمات.

سیوطی می‌افزاید: پس از دست یابی به این کتاب که بلقینی بسیار مختصر بحث کرده بود، کتابی را در باب علوم قرآن تألیف کردم و آن را *التحجیر فی علوم التفسیر* نامیدم و همه مطالب و انواع کتاب بلقینی را در آن آوردم و انواع دیگری را نیز خود بر آن افزودم، تا در ایجاد این علم - یعنی علوم قرآن - دومین نفر باشم. این کتاب مشتمل بر ۱۰۲ نوع از علوم قرآن است و تألیف آن در سال ۸۷۲ قمری به پایان رسیده است، یعنی زمانی که هنوز عمر سیوطی از ۲۳ سال فراتر نرفته بود اما گویا این تألیف سیوطی را قانع نکرده بود و او با تردید در اندیشه تألیفی مبسوط‌تر به سر می‌برد تا این که به *البرهان* زرکشی دست می‌یابد، و پس از مطالعه آن عزم خود را جزم کرده و *الاتقان فی علوم القرآن* را تألیف می‌کند تا مقدمه‌ای باشد برای تفسیر بزرگش موسوم به *مجمع البحرين* و مطلع *البدین* که اکنون در میان تألیفات سیوطی دیده نمی‌شود. سیوطی خود در این باره چنین نوشته شده است:

پس از تألیف *التحجیر فی علوم التفسیر* که برخی از صاحبان تحقیق که در طبقه استادان من بودند نسخه‌ای از روی آن برای خود نوشتند، به ذهنم خطور کرد که کتابی مبسوط و منضبط در این باره تألیف کنم و همه مطالب را در آن استقصاء کنم. در همین حین بود و در حالی که هنوز مردد بودم به این نیشم جامعه عمل ببوشانم، با خبر شدم که امام بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی کتابی جامع و شامل در این باره تألیف کرده است به نام *البرهان فی علوم القرآن* من آن قدر آن را جستجو کردم تا بدستش آوردم و با مطالعه آن شادمانیم دو چندان شد و

خدای را بسیار سپاس گفتم و عزم را جزم کردم تا آنچه را در دل پنهان می‌داشتم آشکار سازم. نتیجه آن تألیف این کتاب عظیم الشان و پرفایده (الاتقان) بود. که من انواع آن را مناسب‌تر از ترتیب البرهان تنظیم کردم یعنی بعضی از انواع آن را در یکدیگر ادغام کردم و آن انواعی که می‌بایست از یکدیگر جدا و تفکیک شود و در البرهان تفکیک نشده بود، در این کتابم آنها را از یکدیگر تفکیک کردم. و مطالب زیادی را نیز به آن افزودم و آن را **الاتقان فی علوم القرآن** نامیدم و مقدمه‌ای برای تفسیر بزرگم که به تألیف آن شروع کرده‌ام و آن را **مجمع البحرين و مطلع البدرین** نامیده‌ام، قرار دادم.^(۱)

کتاب **الاتقان** در هشتاد نوع تنظیم شده است و سیوطی در مقدمه آن مهم‌ترین منابع خود را در تألیف این کتاب بر شمرده و معرفی کرده است. هم چنین فهرستی از انواع سه کتاب **التحجیر، البرهان و الاتقان** را گزارش کرده است.

مجموعه منابعی که سیوطی در تألیف **الاتقان** از آن‌ها بهره برده است و در مقدمه یا لابلای مباحث کتاب از آن‌ها نام برده است به حدود ۵۵۰ منبع می‌رسد. و بدین ترتیب تألیف **الاتقان** سبب حفظ بخشی از میراث علوم قرآنی گذشته شده است که بدون این تألیف، آن میراث امروز به دست ما نمی‌رسید.

ترجمه‌های موجود الاتقان

تاکنون چند ترجمه از کتاب **الاتقان فی علوم القرآن** به صورت کامل یا ناقص و گزینشی انجام شده است که به شرح ذیل است:

- ۱ - نخستین ترجمه **الاتقان** به زبان فارسی متعلق است به آقای دکتر محمد جعفر اسلامی با عنوان **دائرة المعارف قرآن** عرضه شده است. این ترجمه ناقص است و تنها شامل دو جزء اول **الاتقان** می‌باشد که تا نوع ۴۲ را ترجمه کرده است. مترجم جزء اول **الاتقان** (شامل ترجمه تانوع ۳۱) را با همکاری علی وجدانی و جزء دوم کتاب را خود به تنهایی ترجمه کرده و در سال ۱۳۶۲ از سوی بنیاد علوم اسلامی به چاپ رسیده است.
- هم چنین آقای اسلامی از ترجمه ۲۷ نوع جزء اول **الاتقان** توسط احمد آرام خبر داده

است که هرگز به دست نشر سپرده نشد. ایشان در پیش گفتار خود بر ترجمه الاتقان نوشته است:

هنگامی که ترجمه جلد اول پایان یافت و سی و دو نوع آن حروف چینی شده بود به نگارنده اطلاع دادند که استاد جناب آقای آرام مشغول ترجمه اتقان هستند حقیر به اتفاق ناشر به حضور معظم له رسیدیم و جریان را با ایشان در میان نهادیم آن حضرت پس از آگاهی از جریان امر و مشاهده ترجمه فرمودند: بیست و هفت نوع از جلد اول را به فارسی برگردانده‌اند و با بلند نظری که خداوند در نهاد ایشان به ودیعت نهاده است اظهار داشتند: من از ترجمه بقیه آن خودداری می‌کنم و اوراق ترجمه شده را در اختیار ناشر قرار دادند بدیهی است که اگر تا نوع سی و دوم حروف چینی نشده بود ترجمه ایشان زینت بخش کتاب می‌شد. به هر حال به پاس محبت‌های بی شائبه استاد و با کسب اجازه قبلی قرار شد دو نوع از جلد دوم یعنی نوع پنجاه و ششم در ایجاز و اطناب و نوع پنجاه و هشتم در بدیع قرآن که قبلاً به وسیله معظم له ترجمه و منتشر شده بود، پس از حذف زوایدی که در نوع پنجاه و هشتم به ترجمه افزوده بودند، عیناً زینت افزای کتاب گردد.^(۱)

همان گونه که اشاره شد ترجمه آقای اسلامی ترجمه ناقص است یعنی از مجموع هشتاد بحث الاتقان شامل ترجمه تنها ۴۲ بحث آن است و نام برده علی رغم وعده‌ای که در پایان ترجمه جزء سه و چهار الاتقان که مشتمل بر ۳۸ بحث باقیمانده است سر باز زده است.

- ۲- ترجمه دیگر از الاتقان که به صورت کامل در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است به قلم سید مهدی حائری قزوینی است که با عنوان ترجمه الاتقان فی علوم القرآن از سوی مؤسسه انتشارات امیر کبیر در سال ۱۳۶۳ منتشر شده است و به طور گسترده مورد اقبال قرار گرفته است به گونه‌ای که تاکنون بارها و در تیراژ نسبتاً زیاد تجدید چاپ شده است.
- ۳- ترجمه دیگری که از الاتقان در دسترس می‌باشد از دکتر محمود رضا افتخار زاده

است که در سال ۱۳۷۳ از سوی دفتر نشر معارف اسلامی قم منتشر شده است. این ترجمه در حقیقت نه ترجمه الاتقان بلکه ترجمه کتاب خلاصه الاتقان فی علوم القرآن است که تلخیص آن توسط صلاح الدین ارقه دان انجام گرفته و در ضمن تلخیص الاتقان به نوعی مطالب آن باز نویسی شده و مباحث کتاب به صورت موضوعی تنظیم شده است. این کتاب و ترجمه آن همان گونه که ملخص آن یاد آور شده است نه یک کتاب آموزشی بلکه اطلاعاتی عمومی و کلی در حوزه مباحث مختلف علوم قرآنی در اختیار خواننده می گذارد. نواقص ترجمه های موجود:

جز ترجمه اخیر که با اهداف آموزشی ترجمه نشده است دو ترجمه دیگر گرچه ارزش مندند اما با همه مزایایی که دارند، از کاستی هایی نیز برخوردارند. عمده ترین اشکال این دو ترجمه جهت استفاده دانشجویان آن است که ترجمه ای تحت اللفظی از الاتقان به دست داده اند و این سبب شده است ایجاز و ابهام و سنگینی ای که در متن اتقان وجود دارد تقریباً به طور کامل در ترجمه نیز منعکس شود و در نتیجه همان نیازی که متن الاتقان به توضیح و تدریس دارد ترجمه هم به همین گونه نیازمند توضیح و تدریس است به طوری که برای دانشجویان مقطع کارشناسی و حتی کارشناسی ارشد غیر قابل فهم می نماید. در کنار این، ترجمه نشدن جزء سه و چهار الاتقان توسط آقای اسلامی و نیز نادرستی و اشکالاتی - نه چندان کم - که در بخش هایی از ترجمه آقای حایری وجود دارد و در این جا مجال طرح آن ها نیست، ترجمه جدیدی از الاتقان را دست کم برای دانشجویان رشته علوم قرآن ضروری می سازد.

ویژگی های ترجمه فعلی

ترجمه حاضر از یک سو با هدف برطرف کردن مشکلات ترجمه های موجود و از سوی دیگر با غرض تهیه متنی کمک آموزشی در حوزه مباحث علوم قرآنی مقطع کارشناسی سامان یافته است. در این ترجمه که به صورت گزینشی انجام یافته، همه سرفصل های درس علوم قرآنی مورد توجه قرار گرفته است. محدود کردن این ترجمه نیز به دو دلیل بوده است. یکم آن که خوب می دانیم که همه مباحث الاتقان از اهمیت یکسان برخوردار نیستند

و به همین دلیل در برنامه درسی گنجانده نشده‌اند و دوم آن‌که ترجمه کتاب الاتقان هم زمان بیشتری را برای ترجمه می‌طلبد و هم سبب افزایش حجم کتاب که مطلوب نبود. شاید بتوان ویژگی‌های زیر را برای ترجمه حاضر بر شمرد:

مهم‌ترین ویژگی این ترجمه، توضیحی بودن آن است. سعی کرده‌ام مطالب کتاب را به ویژه در مباحث ادبی همراه با توضیح و به صورت روشن - تا اندازه‌ای که خود فهمیدم - بیاورم به طوری دانشجوی بیشتر مطالب را با مطالعه بفهمد، با این حال مباحث کتاب و ترجمه آن دانشجوی را بی‌نیاز از استاد نمیکند.

۲- سعی شده است نقایصی که در ترجمه‌های پیشین بوده است حتی المقدور بر طرف شود.

۳- این ترجمه حاصل چند دوره تدریس الاتقان بوده و پس از اتمام ترجمه نیز در دسترس دانشجویان قرار داده شد و پس از یک بار تدریس و رفع برخی اشکالات آن برای نشر آماده گردید.

۴- در مواردی که تعداد آن چندان زیاد هم نیست در پاورقی توضیحاتی تکمیلی درباره برخی مطالب کتاب ارایه شده است تا نیاز خواننده را برای مراجعه به منابع دیگر کم‌تر کند.

۵- در این ترجمه بنابر نقد دیدگاه‌های مطرح شده، نبوده است. در این باره ترجیح داده‌ام نقد دیدگاه‌ها را به استادان این درس واگذارم تا بنا به سلیقه و ذوق خود به نقد و بررسی آرا بپردازند. با این حال در مواردی که برخی خطاها روشن و مسلم به نظر رسیده است در پاورقی به آن اشاره کرده‌ام

۶- متن آیات عیناً در ترجمه آمده است، اما جهت استفاده بیشتر ترجمه آیات را نیز - در مواردی که برای دانشجویان ضروری احساس میکردم - در پاورقی آورده‌ام تا نیازمند مراجعه به ترجمه قرآن نباشد.

شایان ذکر است که محور ترجمه کتاب *گزیده الاتقان فی علوم القرآن* بوده است که بیشتر آن را جهت استفاده دانشجویان تنظیم و نشر داده‌ام، اما در ترجمه فعلی ترجمه نوع چهلیم الاتقان را بیاورده‌ام. به دلیل آن‌که اولاً حجم این کتاب بیش از اندازه نشود و ثانیاً شیوه ترجمه نوع چهلیم را متفاوت از سایر نوع‌ها برگزیدم، و نیز بنا به دلایلی دیگر که در این جا

مجال ذکر آن‌ها نیست ترجیح دادم در جلد مستقل دیگری آن را عرضه کنم. علاوه بر این مباحث هر یک از انواع ترجمه شده را تحت عنوان فصل آوردم و در پاورقی شماره آن نوع رانیز یادآور شدم، نیز بحث استعارات قرآن را که در الاتقان در ضمن بحث تشبیهات قرآن آمده بود به دلیل اهمیت‌اش در فصل مستقل قرار دادم، بدین ترتیب ترجمه حاضر در هجده فصل و مطابق با ترتیب برنامه پیشنهادی وزارتی تنظیم شده است.

مقاسیه ترجمه حاضر با ترجمه‌های پیشین تصدیق و تأیید صاحب‌نظران و خوانندگان را به همراه خواهد داشت، اما با همه سعی و تلاشی که در جهت اتقان ترجمه به کار گرفته‌ام، معتقدم این ترجمه دارای کاستی‌ها و احیاناً سوء فهم و لغزش‌هایی می‌باشد که پیشاپیش امتنان خود را به محضر اساتید گرانقدری که مرا به آن‌ها واقف خواهند کرد تقدیم می‌کنم، و امیدوارم این اثر در راه آموزش و ترویج علوم قرآنی مفید آید و مقبول افتد.

بمنه و کرمه تبارک و تعالی

سید محمود دشتی

قم اول رجب ۱۴۲۶

۸۴/۵/۱۶